یادداشت

مطالبه‌گری تنها نسخه درمان سرزمین

الهام فریدونی
کنشگر و کارشناس ارشد ارزیابی و آمایش سرزمین

درکمترازیک سال سد چمشیر درمیان بهت همگان آبگیری شد، ۵۵۰۰ معدن جدید به مزایده گذاشته شدند، لایحه حفاظت از رودخانه‌ها برای تقدیم کردن سند رودخانه‌ها و حذف آن‌ها از منابع ملی به‌عنوان پاداشِ وزارت نیرو به مجلس رفت، پیروز جانش را از دست داد و همزمان در سایه غفلت از زیستگاه طبیعی چند یوزرو به انقراض دیگرهم تلف شدند، ریاست سازمان منابع طبیعی در بدو نشستن اش بر آن مسند برخلاف قانون تنفس جنگل‌ها، مجوز بهره‌برداری از درختان شکسته و افتاده را صادر کرد تا پای بهره‌برداران به جنگل باز شود و این درحالی است که همه‌ساله هزاران درخت هیرکانی قطع می‌شود.

طالبان حالا نه‌تنها آب را بر هموطنان سیستانی‌مان بسته که ملتی را هم به سخره گرفته، ترکیه با پروژه‌های گاپ و داپ در حال برنامه‌ریزی برای خشک‌کردن بخش دیگری از کشور است، در این میان پروژه احداث ریل رشت- آستارا درحال پیگیری است که با اجرای آن حداقل ۱۰۰ هزار درخت هیرکانی قطع خواهندشد، مافیای آب‌وخاک مشغول پیگیری پروژه‌های رانت محور خود بدون توجه به قوانین و ضوابط است و بازار استقرار پتروشیمی‌ها دوباره داغ شده است، قوانین منابع طبیعی و محیط زیست همچون ممنوعیت‌های واگذاری و بند «ب» ماده «۱۲» قانون افزایش بهره‌وری منابع طبیعی و... همچنان درحال خاک‌خوردن هستند، سازمان منابع طبیعی نیروهای سالم خود همچون جنگلدار متعهد بابل را عزل می‌کند و کارشناسان منتقد را تهدید به سکوت می‌کند. قانون برنامه هفتم توسعه نیز با «حذف گزارش ارزیابی زیست‌محیطی، بهره‌برداری از درختان شکسته و افتاده، ممنوعیت برخورد با تخلف واحدهای تولیدی تا پیش از صدور حکم قطعی دادگاه و...» تیر خلاصی بر پیکره محیط زیست است و هر یک از این موارد به‌تنهایی برای نابودی منابع طبیعی یک کشور کافی است.

ما از سرزمینی صحبت می‌کنیم که هیرکانی‌اش نصف شده، زاگرس‌اش در حال مرگ است و با حکمرانی نادرست آب خشکیده است؛ بنابراین باید هم اینک آثیر قرمز برای محیط زیست و منابع طبیعی را به صدا درآورد، اما گویی عده‌ی قلیلی با اشتهایی سیری‌ناپذیر که از این بحران هاسود می‌برند، نمی‌خواهند واقعیت‌های سرزمین را نشان دهند، اما چرا باید کشور تاوان منفعت‌طلبی و بی‌قانونی اقلیتی را بدهد؟! امروز این تفکر درمیان کنشگران محیط زیست غالب شده است که دیگر امیدی به نجات این سرزمین نیست. اما هدف از شرح حال رفته بر سرزمین نه مرثیه‌خوانی برای اوست بلکه برعکس معتقدیم تا آن دم که زندگی هست امید هم هست. این ناامیدی دقیقا همان چیزی است که این اقلیت رانت‌خوار می‌خواهند. بنگریم که از سکوت حاکم بر فعالیت‌های مدنی تا همین جا هم مافیا چه سودها که نبرده است. باور کنیم که وقت نومیدی نیست، سرزمین ما هنوز وجود دارد، هرروز خورشید بر آن می‌تابد، کودکان ما همچنان روی همین خاک بازی می‌کنند و می‌خندند، وجوانانمان برای تحقق رؤیاهایشان می‌کوشند، وقت نشستن و زانوی غم بغل کردن نیست بلکه موعد مطالبه است. باور کنیم هنوز می‌توان طبیعت ایران را نجات داد؛ اگر ما مطالبه‌گرانی قوی باشیم و درمقابل مافیای آب و خاک و برخی مسئولین قانون گریز باهر پشتوانه‌ای سکوت نکنیم. این تنها نسخه‌ی درمان و نجات ایران است که با امید و اراده قابلیت تحقق دارد.

اختصاص اعتبار قابل توجه، اولین و مهم‌ترین عامل در بهبود وضعیت جنگل‌های کشور است

آتش غفلت به جان جنگل‌ها

بی‌اهمیتی به نقش جنگل‌ها، ضعف در ساختار مدیریتی، عدم بازدارندگی قوانین، طولانی بودن روند رسیدگی به پرونده‌های تخریب جنگل‌ها و مهم‌تر از همه، نادیده گرفتن نقش جوامع محلی در مدیریت جنگل‌ها، موجب شده است که هرسال بخشی از جنگل‌های کشور از دست برود، به گونه‌ای که بنا بر آخرین گزارش ارسالی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به فائو در طول سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ سالانه ۱۲ هزار هکتار جنگل در ایران تخریب شده است.

براساس اطلاعات سال ۱۳۷۳ وسعت جنگل‌ها در شمال کشور یک میلیون و ۸۴۷ هزار هکتار بود و در سال ۸۳ با کاهش بهره‌برداری از جنگل‌های شمال، وسعت آن به یک میلیون و ۹۳۶ هزار هکتار رسید. بر اساس تصاویر ماهواره‌ای، آخرین اطلاعات از وسعت جنگل‌های شمال کشور نشان می‌دهد که در حال حاضر وسعت آن، دو میلیون و چهار هزار هکتار است.

مناطق خشک و نیمه خشک عامل اصلی محدودیت جنگل‌ها

شاهرخ جباری ارفعی، کارشناس ارشد منابع طبیعی و عضو پیشین شورای عالی جنگل‌ها با بررسی و آسیب شناسی نظام حفظ و حراست جنگل‌ها در کشور، اظهار کرد: جنگل‌ها برای رویش به دو عامل بارندگی و درجه حرارت نیازمند هستند. کشورمان به علت موقعیت جغرافیایی، ازنظر درجه حرارت وضعیت خوبی دارد؛ اما ازنظر بارندگی دارای مناطق خشک و نیمه خشک بسیاری است و این محدودیتی در استقرار جنگل در کشور ما به شمار می‌رود. البته مناطقی مانند شمال کشور و بخشی از دامنه کوه‌های خارج از شمال همزمان از این دو موهبت برخوردار هستند. هرمنطقه‌ای از مرطوب تا خشک، گونه‌های گیاهی و درختی خاص خود را دارد اما در مناطق خشک و نیمه خشک درصورت تخریب پوشش جنگلی به علت همان دلیل پیش گفته بازسازی و احیای آن بسیار مشکل و در صورت فرسایش خاک گاهی ناممکن است.

این عضو پیشین شورای عالی جنگل‌ها با بیان اینکه چالش‌های حفاظت و مدیریت جنگل‌های کشور به سه دسته تقسیم می‌شود، تصریح کرد: دسته اول مربوط به محرومیت جوامع محلی است که به ناچار این محرومیت از محل منابع طبیعی جبران می‌شود؛ دسته دوم ناشی از سودجویی است مانند قاچاق چوب درختان جنگلی و دسته سوم اقدامات بخش دولتی و عملیات عمرانی و توسعه‌ای است. محرومیت از دسترسی به سوخت مناسب، منجربه قطع درختان و بوته‌ها برای مصارف سوختی می‌شود؛ یا فقدان اشتغال، جوامع محلی را به قطع درخت و تهیه زغال برای فروش می‌کشاند. همچنین کشاورزی سنتی که به جای بالا بردن راندمان در واحد سطح یا روش‌های نوین، همچنان به افزایش سطح زیر کشت متکی است، زمینه‌ساز تبدیل جنگل‌ها و مراتع به زمین زراعی می‌شود.

دپوی زباله؛ عامل مهم تخریب جنگل‌ها

جباری ارفعی گفت: درباره دسته دوم می‌توان به بهره‌برداری غیراصولی و عدم رعایت اصول علمی بهره‌برداری جنگل اشاره کرد؛ اما از همه بدتر قاچاق چوب است که درختان خوش‌فرم و جوان، با ارزش اقتصادی زیاد و مناطق قابل‌دسترس را هدف قرار داده است و این موضوع، آینده جنگل را به مخاطره می‌اندازد. درباره دسته سوم می‌توان به اقدامات بخش دولتی از جمله دپوی زباله در جنگل‌ها اشاره کرد که شاید در جهان کم سابقه باشد که زباله‌ها را در عالی‌ترین جلوه طبیعی و الهی زمین دپو کنند. همچنین عملیات عمرانی از دیگر نمونه‌های چالش‌وتهدید از دسته سوم است؛ احداث بسیاری از سدها سبب تخریب جنگل‌های دریاچه سد خواهد شد و به علاوه برای احداث کانال و جاده هم مساحت زیادی از جنگل تخریب می‌شود. احداث بزرگراه یا مسیرهای گاز، برق و نفت نیز از دیگر عوامل تخریب جنگل به شمار می‌رود.

جانمایی نامناسب شهرک‌ها و واحدهای صنعتی

این کارشناس ارشد منابع طبیعی از دانشگاه تهران گفت: متأسفانه در شمال کشور و براثر جانمایی نامناسب، تعدادی از شهرک‌ها و ناحیه‌های صنعتی با تخریب جنگل احداث شده‌اند. مثال‌ها درباره این دسته آن قدر زیاد است که عده‌ای بخش دولتی و عملیات عمرانی را عمده‌ترین عامل تخریب جنگل می‌دانند.

وی تصریح کرد: آنچه نگران کننده‌تر شده، وضعیتی است که جدیدا با آن روبه‌رو هستیم و در آینده تشدید خواهد شد. افزایش جمعیت حوضه‌های جنگلی با حضور تفریحی جمعیت شهری مرفه و ویلاسازی در زمین‌های اشخاص در داخل جنگل و حتی گاه در اراضی تصرفی که درواقع یکی از چالش‌های نوین تخریب جنگل‌ها است، همچنین گردشگری طبیعی بدون برنامه که همه مناطق جنگلی را مورداستفاده قرار داده است؛ درحالی که در کشورهای پیشرفته برای آن مناطق مشخصی تعیین و ضوابط معینی را وضع می‌کنند.

جباری ارفعی ادامه داد: ایران با چالش جهانی گرمایش زمین و تغییر اقلیم روبه‌رو است. براثر این پدیده، بسیاری از درختان با برای ماندگاری باید به مناطق مساعد رویش خود جابه‌جا شوند یا به علت عدم سازگاری، متأسفانه از ادامه حیات بازمی‌مانند. تغییر اقلیم، سبب گسترش آفات و بیماری‌ها و وقوع آتش‌سوزی‌های گسترده‌تر در جنگل می‌شود؛ برای همین سیاست‌گذاران در سراسر جهان در حال هم‌فکری و چاره‌جویی در برابر این پدیده هستند.

وی با اشاره به راهکارهای مقابله‌ای برای حفظ جنگل‌ها، اظهار کرد: راهکار رفع این چالش‌ها، استفاده از دانش و تجربه موجود در مطالعه و برنامه‌ریزی در قالب طرح‌های مدیریت پایدار جنگل است؛ زیرا در این طرح‌ها، شاخص‌هایی تعریف شده است و با بررسی دوره‌ای این شاخص‌ها در زمان‌های یک‌ساله تا ۱۰ ساله، بر اساس هر شاخص می‌توان وضعیت جنگل را ارزیابی و پایش کرد. این طرح‌ها باید با جلب همراهی جوامع محلی صورت گیرد و در این باره تسهیل‌گران باید ابتدا با این جوامع گفت‌وگو و سپس توجه آن‌ها را به اهمیت موضوع جلب کرده و هم از دیدگاه آنان در طراحی استفاده کنند.

وی در خصوص نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های محلی در توسعه جنگل‌ها، اظهار کرد: سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران، نسبتا نوپا هستند و هنوز تا نقش‌آفرینی مؤثر راه درازی در پیش دارند؛ دیگر اینکه ازنظر مالی، عمدتا به بخش دولتی وابسته هستند؛ درحالی که بودجه مورد نیاز آنان باید از منابع مردمی تهیه شود و بالاخره باید ازنظر علمی قوی‌تر شوند و با بررسی طرح‌ها، آن‌ها را ازنظر علمی مورد نقد و بررسی قرار دهند. از طرف دیگر بخش دولتی هم باید سمن‌ها و جوامع محلی را در عمل به رسمیت بشناسد و جایگاه قانونی آن‌ها را لحاظ کند. حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در مجامع تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و امکان نظارت آن‌ها بر عملکردها، قطعا مؤثر است؛ به ویژه آنکه به تدریج بنیه علمی و تجربیات این تشکل‌ها بالاتر می‌رود و با توجه به حساسیت جامعه، در آینده به یک طرف جدی در معادلات تبدیل می‌شود.

زمین خواری و قطع درختان کهن

می‌گویند زمین خواری، نابودی و قطع درختان کهن از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جنگل‌های ایران بوده که در استان‌های مرزی کشور بیشتر مشهود است؛ به طوری که در استان کردستان حجم وسیعی از درختان بلوط ۵۰ تا ۱۰۰ ساله به خاطر زمین خواری قطع شده‌اند. تراکم بالای پرونده منابع طبیعی در دادگاه‌ها و طولانی شدن روند بررسی، باعث شده زمین‌خواران به راحتی جنگل‌های کشور را تصرف کنند و هنوز زمین‌خوارانی هستند که پرونده اول آن‌ها در حوزه تصرف جنگل‌ها و قطع درختان بررسی نشده است. حامد عسگری، دبیر شبکه محیط زیست منابع طبیعی غرب کشور در گفت‌وگو با خبرنگار ایمنا، به این مسئله اشاره و تأکید کرده است: تهدید دیگر که در حوزه مدیریت و حفظ جنگل‌های کشور وجود دارد، آتش‌سوزی و حریق گسترده جنگل‌های کشور است. متأسفانه به خاطر نبود زیرساخت‌های لازم برای اطفای حریق، طی سال‌های اخیر حجم انبوهی از وسعت جنگل‌های کشور در اثر این آتش‌سوزی از دست رفته است.

دبیر شبکه محیط زیست منابع طبیعی غرب کشور تصریح کرد: هنوز بسیاری از قوانین برای حفظ و احیای جنگل‌ها و مراتع مربوط به قبل از پیروزی انقلاب و این قوانین هنوز به روزرسانی نشده است، پس چگونه انتظار می‌رود که این قوانین نقش بازدارنده داشته باشد و افراد زمین‌خوار ترس این قوانین، اقدام به قطع درختان و تصرف زمین‌ها نکنند. باید بپذیریم مافیای چوب در کشور وجود دارد و این مافیا در سال‌های اخیر، حجم انبوهی از جنگل‌های کشور به خصوص جنگل‌های هیرکانی را نابود کرده است. در کنار این مافیا نیروهای انسانی منابع طبیعی انگیزه لازم برای حفظ و حراست جنگل‌ها را ندارند و انگیزه این نیروها درطی سال‌های اخیر کاهش پیدا کرده است. این عدم انگیزه نیروی انسانی منابع طبیعی به نبود زیرساخت‌های لازم برای حراست از جنگل‌ها، عدم حمایت از نیروهای منابع طبیعی و موارد دیگر برمی‌گردد.

بروکراسی پیچیده اداری مانع تحقق حفظ و احیای جنگل‌های کشور

محمد الموتی، دبیر شبکه تشکل‌های مردم‌نهاد محیط زیست و منابع طبیعی کشور نیز با ابراز نارضایتی از وضعیت مدیریت جنگل‌های کشور، اظهار کرد: متأسفانه طی سال‌های اخیر، شاهد تسلیم شدن نظام تدبیر در برابر برنامه‌های جامع محور در حفظ و احیای جنگل‌های کشور هستیم. هم اکنون متولیان امر، متوجه این مسئله شده‌اند که مدیریت عامرانه و تدوین برنامه‌ها و طرح‌های پشت میزی، نمی‌تواند جنگل‌های کشور را حفظ و احیا کند؛ بلکه در همین برنامه‌ها، طرح‌ها و مدیریت دولتی بخش انبوهی از جنگل‌ها را دست رفته است، زمانی که مدیریت جنگل‌ها زمردم گرفته شد، عملا شاهد سقوط آزاد جنگل‌های کشور بودیم. اگر مدیریت جنگل‌ها بخواهد از بخش دولتی به بخش مردمی واگذار شود، نخستین مانع بزرگ آن بروکراسی پیچیده اداری است. اولین و مهم‌ترین عامل در بهبود وضعیت جنگل‌های کشور، بهبود زیرساخت‌های لازم و در کنار آن، در نظر گرفتن اعتبار قابل توجه به حفظ و احیای جنگل‌های کشور است؛ اما متأسفانه این دو عامل در سال‌های اخیر با کم توجهی متولیان و سیاست‌گذاران روبه‌روشده است. دبیر شبکه تشکل‌های مردم‌نهاد محیط زیست و منابع طبیعی کشور تصریح کرد: نه‌تنها اعتبار لازم برای حفظ جنگل‌های کشور در سال‌های اخیر تخصیص نیافته است، بلکه در مواردی که ظرفیت رفع مسائل و مشکلات جنگل‌های کشور وجود دارد، نگاه منفعت‌طلبانه، اجازه این اقدامات را نمی‌دهد و مانع اصلاح وضع موجود می‌شود. وی اظهار کرد: سازوکارهای ایجاد شده چند دهه اخیر در جنگل‌های کشور، دست اندرکاران خارج از جوامع محلی را تقویت می‌کند. این تغذیه شدن از یک منبع آزاد عمومی به اندازه کافی جذاب است که حلقه‌های دست اندرکار کوچک و پیچیده، نگذارند برنامه‌ای برای حفظ و احیای جنگل‌ها اجرا شود یا به نتایج مطلوب دست پیدا کند. حتی اگر برنامه‌ای برای حفظ و احیای جنگل‌های کشور برای اجرا مصوب می‌شود، این حلقه‌های دست اندرکار کوچک، کاری می‌کنند که این برنامه‌ها در همان مرحله اولیه اجرا دچار مشکلات فراوانی شود.

الموتی ادامه داد: مشکلی که در حفظ و احیای جنگل‌های کشور وجود دارد، غیبت کاملا مشخص جوامع محلی در ساختار مدیریت جنگل‌ها است. به غیر از غیبت جوامع محلی، نکته آشکار دیگر در عدم مدیریت صحیح جنگل‌های کشور، تغذیه شدن بخش‌هایی از دست اندرکاران واقعی با افرادی که طی این سال‌ها خود را دست اندرکار کردند، است که این افراد اجازه ورود و فعالیت جوامع محلی برای حفظ و احیای جنگل‌ها کشور را نمی‌دهند.

برنامه هفتم و مقررات زدایی

یوسف فرهادی بابادی- روزنامه‌نگار و کنشگر محیط زیست

برنامه هفتم توسعه، یکی از بنیانی‌ترین سیاست‌گذاری‌ها در جهت مقررات زدایی در بخش‌های مختلف ازجمله حوزه محیط زیست و منابع طبیعی است و پیش از ارائه این برنامه، بسیاری از نمایندگان نظیر جلیل مختار، نماینده آبادان خطاب به برخی از دستگاه‌های اجرایی خواستار هماهنگی بین دستگاهی برای ارائه این برنامه همسو با سیاست‌های محیط زیستی شدند اما متأسفانه دستگاه‌ها، خصوصا سازمان محیط زیست منفعلانه از کنار این توصیه‌های مشفقانه دلسوزان و منتقدان عبور کردند و امروز برنامه هفتم هیچ‌گونه التفاتی به محیط زیست ندارد. واقعیت این است که اگر دستگاه‌های نظارتی به درستی عمل می‌کردند نمود این نظارت در تدوین سیاست‌ها خود را نشان می‌داد اما متأسفانه دستگاه‌های نظارتی به‌جای حمایت از رویکردهای انتقادی، حذف منتقدین را در سیاست‌گذاری‌ها در پیش گرفته‌اند.

مظلومیت سیاست‌های کلان محیط زیستی ابلاغی از سوی رهبری

متأسفانه با گذشت نزدیک به یک دهه از ابلاغ سیاست‌های کلان محیط زیستی نظام از سوی رهبری، نه تنها دولت‌ها و مجالس بلکه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز کمترین توجهی برای نهادینه کردن سیاست‌های مترقی محیط زیستی ابلاغی از سوی رهبری انجام ندادند. ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط زیست، مدیریت هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی، جرم‌انگاری تخریب محیط زیست، تهیه اطلس زیست بوم کشور، استقرار نظام حسابرسی زیست محیطی در کشور با لحاظ ارزش‌ها و هزینه‌های زیست محیطی (تخریب، آلودگی و احیاء) در حساب‌های ملی و چندین مورد دیگر در سیاست‌های ۱۵ گانه رهبری ازجمله مواری است که طی نزدیک به یک دهه گذشته حتی یک آیین‌نامه اجرایی برای آن نوشته نشده است. دستگاه‌ها و قوای مختلف کشور یک نمونه از جرم انگاری‌هایی که طی این سال‌ها تعریف شده است را اعلام کنند. دستگاه‌ها توضیح دهند استقرار نظام حسابرسی کجای معادلات دستگاه‌ها بوده است. نظام یکپارچه کجاست و اصلا تعریف مجموعه حاکمیت از نظام یکپارچه چیست؟ بی‌تردید بی‌توجهی به این ابلاغیه؛ هدفمند و در چارچوب تسهیل در ناپایدارسازی سرزمین به منظور سودآگری برخی اصحاب قدرت بوده است. اگر بناست در عملکرد خود در حوزه محیط زیست تجدید نظر کنیم، باید روندهایی را که به عدم توفیق در اجرای سیاست‌های کلان محیط زیستی انجامیده مورد بررسی قرار داد. برهمین اساس اولین درخواست از مجمع تشخیص مصلحت نظام و نمایندگان مجلس این است که سیاست‌های کلان مقام معظم رهبری را در برنامه توسعه بگنجانند تا روح محیط زیستی در برنامه هفتم دمیده شود.

تحقیق و تفحص در برنامه هفتم

مدت‌ها است بحث تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از وزارت نیرو مطرح است، اما پرسش این است که جایگاه این مسئله در برنامه هفتم توسعه کجاست؟ طبیعتا باید نتایج این آسیب شناسی و تخلفاتی که رخ داده در این برنامه نمود داشته باشد. اگر این وزارتخانه با سیاست‌های خود آبخوان‌ها را با بحران روبه‌رو کرده، اگر رودخانه‌ها یکی پس از دیگری در حال نابودی هستند، اگر ریزگردها کشور را با چالش روبه‌رو کرده‌اند، اگر وزارت نیرو به برنامه‌های گذشته عمل نکرده، باز هم قرار است این سیاست‌ها بر مدار گذشته باقی بماند؟ اگر این گونه است مجلس شورای اسلامی در جریان تحقیق و تفحص و بررسی عملکرد این وزارتخانه در کمیسیون اصل ۹۰ چه هدفی را دنبال می‌کند؟ چنانچه بناست روندها اصلاح شود، چه فرصتی بهتر و گرامی‌تر از برنامه ۵ ساله هفتم و باید مجلس، به دنبال استفاده از نتایج ارزیابی‌های خود در برنامه هفتم توسعه باشد. ما به‌عنوان فعالان محیط زیستی این دغدغه‌ها را به مجلس و نمایندگانی که آماده شنیدن حرف‌ها بوده‌اند، منتقل کرده‌ایم و امیدواریم این تعاملات مثمرثمر باشد.

مقررات زدایی در حوزه محیط زیست!

محیط زیست و ارزیابی پروژه‌ها به لحاظ شکلی در برنامه‌های توسعه از جایگاه خوبی برخوردار بوده است. ازجمله در برنامه ششم، بر رهاسازی حقابه‌های زیست محیطی برای پایداری سرزمین، تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی و حفاظت و تثبیت و بهبود تالاب‌ها در کنوانسیون رامسر تأکید شده بود. درواقع از این مفاهیم به‌عنوان زینت برنامه ششم استفاده شد اما هیچ‌یک به مرحله اجرا درنیامد، تصور کنید اکنون که در برنامه هفتم این موارد حتی در شکل و محتوا هم نادیده گرفته شده، چه بلایی بر سر محیط زیست می‌آید؟ البته در کنار توجه به این موارد در برنامه‌های توسعه، نیازمند کسانی هستیم که عامل به برنامه باشند. چراکه در برنامه ششم توسعه برپایداری آبخوان‌ها تأکید شده بود، اما در عمل، به سمت و سوی نابودی آبخوان‌ها حرکت کردیم. موضوع این است که در جامعه ما، گفتمان اجرای قانون به حالت تعلیق درآمده است، با این وجود برای تعامل و گفت‌وگو با دولت، باید ادبیات مشترکی به نام قانون حکم فرما باشد. حال اینکه جریانی خاص به دنبال مقررات زدایی است و تمایل دارد قانون را به‌عنوان یک میثاق و زبان مشترک از بین ببرد!

برگ سبز خودرو وانت مزدا ۲۰۰۰ مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ۴۶ایران ۶۶ به شماره شاسی ۸۱۲۰۰۰۱۳۰۵ به شماره موتور ۴۲۹۹۱۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو تیبا سواری هاچ بک ۲ مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۷۲- ۱۵۵ط ۱۴ و شماره موتور M۱۵/۹۵۱۸۲۵ NAS۸۲۱۱۰۰N۱۰۴۲۷۵۱ به نام رباب اکرامی حور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل مجوز حمل سلاح شکاری گلوله زنی کالیبر ۳۰/۰۶ به شماره سلاح ۵۶۲۴۱۷۹ مدل ۸ تیر نیمه اتوماتیک ساخت کشور آمریکا به شناسه سلاح ۰۲۴۲۴۸۳۴۲۹۱۱۷ به نام محمدشاه دره قائدی نام پدر جهانشاه متولد ۱۳۴۱ به شناسنامه ۲۰۶۶ به شماره ملی ۲۰۰۰۹۶۹۸۱۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی سواری سیستم پژو تیپ ۴۰۵ جی ال ایکس ای ۸/۱ مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۴۸۸۳۵۵۸۸۴ به شماره شاسی NAAM۰۱CA۳AE۸۶۳۶۹۵ به شماره پلاک انتظامی ایران ۲۴- ۳۲۵۶۳۷ به نام مالک سعید مصطفوی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی و اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری سیستم پراید تیپ (جی تی ایکس آی) مدل ۱۳۸۸ به رنگ نقره ای متالیک به شماره موتور ۳۱۸۰۵۰۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۳۵۵۰۷۱ به شماره پلاک انتظامی ایران ۳۴- ۳۱۷و۶۷ به نام مالک اله مراد هاوندی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز پژو ۲۰۶ مدل ۹۹ رنگ سفید به شماره شهربانی ۶۳۷ل ۲۶ ایران ۷۵ به شماره موتور ۱۷۸۲۹۵ شماره شاسی ۳۰۶۰۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پیکان مدل ۷۷ رنگ سفید به شماره شهربانی ۱۸۷س ۶۶ ایران ۷۵ به شماره موتور ۱۱۱۲۷۷۷۲۶۱۹ و شماره شاسی ۷۷۴۷۸۰۶۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی (فاکتور فروش) و برگ سبز (شناسنامه) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۱ به رنگ نقره ای متالیک به شماره پلاک ۵۳۵ج ۷۸ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۲۴۹۱۰۲۰۴۲۳ به شماره شاسی NAAM۰۱CA۶CE۳۸۵۹۷۱ به نام پری برهانزهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب ایمان علی تبار منصور مالک خودروی سمند سواری LX به شماره بدنه NAACA۱CB۵BF۲۳۰۶۲۷ به شماره موتور ۱۲۴۸۹۲۱۱۲۶۵ و شماره پلاک ۷۲- ۸۶۵ط ۹۱ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی سند خودروی مذکور را نموده است لذا چنانچه احدی ادعایی در خصوص خودروی فوق دارد ظرف مدت ده روز به دفتر منطقه ای ساری واقع در کیلومتر ۵ جاده ساری به نکا جنب شرکت شمالیت مراجعه نمایند بدیهی است پس ازمهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز خودرو سمند سواری LX مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ۷۲- ۸۶۵ط ۹۱ شماره موتور ۱۲۴۸۹۲۱۱۲۶۵ و شماره شاسی NAACA۱CB۵BF۲۳۰۶۲۷ به نام ایمان علی تبار منصور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودرو تیبا ۲ سواری هاچ بک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۴۰- ۵۴۵ج۶۳۴ و شماره موتور M۱۵/۹۵۰۰۳۳۵ NAS۸۲۱۱۰۰N۱۰۳۹۸۵۸ شماره شاسی به نام سعیده امیر سرداری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل مجوز حمل و نگهداری سلاح شکاری برنو ۵ تیر گلنگدنی ساخت کشور آلمان به شرماه سلاح ۱۰۳۰۸ کالیبر ۷/۹۲ به نام آقای فرزاد مظفرنژاد فرزند شیریک دارای شماره شناسنامه و شماره ملی ۴۲۰۰۰۲۴۵۰۰ و به تاریخ تولد ۱۳۶۷/۰۷/۰۱ شناسنامه صادره از شهرستان نورآباد دلفان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب ثریا علوی فرزند عبداله مالک خودروی پژو روآ مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۶۱- ۹۶۶ب ۹۳ به شماره شاسی NAAB۴۱PM۲AH۲۷۶۱۴۱ به شماره موتور ۱۱۸۸۹۰۱۲۰۳۸ به علت فقدان اسناد فروش (برگ کمپانی) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در تهران -کیلومتر ۱۴ جاده قدیم کرج، پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس ازمهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

شناسنامه مالکیت برگ سبز تراکتور کشاورزی تیپ MF ۲۸۵ مدل ۱۳۶۴ به شماره انتظامی ۵۱- ۵۴۷ک ۵۴ و شماره شاسی E۶۴B۱۰۶۰۵ به شماره موتور LFW۳۹۸۶M به مالکیت محمد جدیدی فرزند عبدالرحمان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز کارت مزدا ۲۰۰۰ مدل ۱۹۹۱ رنگ قرمز به شماره شهربانی ۵۱۱ب ۵۶ ایران ۶۵ به شماره موتور ۱۷۷۵۵۰ و شماره شاسی ۲۱۶۵۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز پراید هاچ بک مدل ۷۵ رنگ سفید به شماره شهربانی ۲۱۶ب ۷۷ ایران ۶۵ به شماره موتور ۸۶۱۷۳۷ شماره شاسی ۱۴۴۲۲۷۴۱۱۶۵۶۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری سیستم هیوندای تیپ IX ۳۵ مدل ۲۰۱۴ به رنگ مشکی به شماره شاسی KMHJU۸۱CDEU۹۶۲۳۳۸ شماره موتور G۴KEEU۴۰۹۱۴۶ به شماره پلاک ۳۸- ۳۲۵ب ۹۶ به نام فرید خاموشی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری هاچ بک پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۴ به رنگ خاکستری به شماره موتور ۴۶۷۹۹۲۸ شماره شاسی ۱۹۸۰۵۵۹۵ شماره پلاک ۴۶- ۳۶۲ و ۶۶ به نام آمنه قربانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت ماشین و برگ سبز خودرو به نام قاسم قلمی به شماره ملی ۱۸۱۵۸۶۳۱۵۳ نوع سواری سیستم پژو مدل ۱۴۰۰ تیپ PARS XU۷ مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید شماره موتور ۱۲۴K۱۶۴۴۱۷۰ به شماره شاسی NAAN۰۱CEXMH۷۲۳۰۰۰ به شماره پلاک ۸۹۱ط ۳۱ ایران ۷۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودروی سواری هاچ بک پژو ۲۰۶ TU ۳ مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۵۵۲م ۲۲ ایران ۷۵ به شماره موتور ۱۴۱۹۱۰۱۵۱۲۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پژو روآ به شماره انتظامی ۶۵۵۸۷ ایران ۲۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

قرارداد فروش واحد تجاری صورتجلسه ۴۷۵/۸ مورخ ۱۳۷۳/۲/۲۰ فیمابین هیات مدیره شرکت عمران شهر جدید علامه مجلسی به نمایندگی سیدمحسن شهیدی و علیرضا قاضی فرزند ایرج مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت ۱۵۱ رنگ سفید مدل ۱۴۰۲ شماره موتور M۱۳/۶۵۸۲۵۳۹ شماره شاسی NAS۴۵۱۱۰۰۲۴۹۰۰۴۷۲ به نام پوریا کریمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت ماشین خودرو پژو ۲۰۶ رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۵ به شماره موتور NAAP۱۳FE۰GJ۹۰۵۹۷۹ به شماره شاسی ۱۶۳B۰۲۸۳۱۶۹ به پلاک ۱۳۸ ایران ۳۳۶ س ۴۷ به نام مرضیه شفیعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب سیدمحمدرضا هاشمی علی آبادی فرزند سیداسماعیل به شماره شناسنامه ۱۲۵۰۱۵۱۳۶۸ صادره از کاشان در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی حسابداری صادره از واحد دانشگاهی آزاد کاشان به شماره سریال ۱۶۱۹۶۸۸ و شماره ثبت سازمان ۱۴۲۸۷ و تاریخ ثبت ۱۳۹۲/۷/۲۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان به نشانی کاشان - بلوار قطب راوندی - خیابان استادان - اداره فارغ التحصیلان ارسال نمایید.

سند مالکیت و برگ فروش شرکت مطلق به خودرو هیوندای جنسیس به شماره انتظامی ۴۸۶ج ۵۹ ایران ۸۸ به شماره شاسی KMHGC۴۱KBCU شماره موتور G۶DKBZ۷۵۷۰۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز (شناسنامه) و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت نیکتاز ۱۲۵ به شماره پلاک ۵۶۸- ۷۲۹۳